

در محضر رهبر معظم انقلاب

پناهیان: راحت طلبی اولین مظهر حب‌الدنیا در انسان / این یک نقص فرهنگی بزرگ است که راحت طلبی در فرهنگ ما مذمت نمی‌شود/ امام در آخر عمرشان نگران جریان راحت طلبان و اسلام آمریکایی بودند/ در ادبیات امام اسلام آمریکایی همان اسلام راحت طلبان است/ امام(ره): از صدر اسلام تاکنون دو خط بوده است: خط اشخاص راحت طلب و ... / فرهنگ مبتنی بر مبارزه با هوای نفس، تمدن مبتنی بر هواپرستی غرب را نابود خواهد کرد

پناهیان: بسیاری از خانواده‌های مذهبی، گله‌مند هستند از اینکه: «بچه ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می‌خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می‌جنبد، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی‌پوشد و دارد بداخلاقی می‌کند.» بررسی که می‌کنی می‌بینی در این خانواده از هفت تا چهارده سال، پدر و مادر فرصت داشته‌اند که این بچه را از راحت طلبی جدا کنند. اما چون بچه‌اش را دوست دارد، می‌گوید بگذار بچه ام «راحت» باشد. از مدرسه آمده، می‌گوید بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایش را برایش آماده کنم. راحت طلبی بچه را باهش مخالفت نکرده. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده. بچه‌ای که در دوران ادب بین هفت تا چهارده سال ادب نشده، و راحت طلبی بیشتر برایش جا افتاده، الان یک دفعه‌ای می‌خواهی بهش بگویی با شهوات مخالفت بکن، قبول نمی‌کند. بهش می‌گویی بیا نماز بخوان، قبول نمی‌کند. چرا؟ آیا چون ایمان ندارد؟ نه به خدا، ایمان دارد. آیا محبت به اهل بیت(ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد، می‌بینی که محرم‌ها کم نمی‌گذارد برای امام حسین(ع)، اما کاهل نمازی می‌کند. اما دست‌درازی می‌کند به سوی گناه.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در آخرین شب مراسم عزاداری برای شهادت حضرت زهرا(س) که با حضور رهبر معظم انقلاب، اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان نظام در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار می‌شد، با موضوع «راحت طلبی، اولین تمایل انسان» سخنرانی کرد. مشروح این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

راحت طلبی اولین گرایشی است که انسان تجربه می‌کند

اولین علاقه و اولین گرایشی که ما در خودمان تجربه می‌کنیم «راحت طلبی» است. حتی لذت جویی که یکی از فراگیرترین گرایش‌های ما در طول زندگی مان هست و برای همه آدم‌ها به انحاء مختلف، موضوع مطرحی است، بعد از راحت طلبی سراغ آدم می‌آید. گرچه خود راحتی لذت دارد، اما به هر حال انسان به راحتی علاقه‌مند است. یک نوزاد وقتی به دنیا می‌آید، تا گرسنه‌اش می‌شود، احساس می‌کند ناراحت شده، شروع می‌کند گریه کردن. تا دل‌درد می‌گیرد، ناراحتی را احساس می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

ما با راحت طلبی زاده می‌شویم. بعداً گرایش‌های دیگر دنیایی ما، بیشتر تجلی می‌کنند و بعضی از اوقات به خاطر همین راحت طلبی تورم یافته، گرایش‌های دیگر بد و خوبی هم در ما شکل می‌گیرد. شاید اوایلش انسان زیاد حبّ بقاء نداشته باشد؛ نمی‌فهمد من بمیرم یعنی چی، «دوست دارم من زنده بمانم» را ممکن است حس و تجربه نکند، ولی عجلتاً مایل است «ناراحت» نباشد. راحت طلبی یکی از گرایش‌های کلیدی ماست و یکی از شعبات اصلی حبّ‌الدنیاست.

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره طبعی بودن محبت به دنیا با همه مذمت هایی که در موردش هست، فرموده اند «النَّاسُ أبنَاءُ الدُّنْيَا وَ الْوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ» (غررالحکم/۲۳۴۹) مردم فرزندان دنیا هستند، و بچه ها مادرشان را طبیعتاً دوست دارند، پس حبّ الدنیا طبیعتاً به دل ما می آید.

خیلی اوقات جوان ها خودشان را اهل حبّ الدنیا نمی دانند / «راحت طلبی» اولین مظهر حبّ الدنیا در جوانان است

الحمدلله جوان ها در مجلس ما و در مجالس مذهبی فراوان هستند، به آنها عرض می کنم: خیلی وقت ها جوان ها خودشان را اهل حبّ الدنیا نمی دانند، می گویند آیا ما حبّ مال داریم؟ حبّ جاه داریم؟ ما چه قسمتی از حبّ الدنیا را داریم؟ و خیلی ها هم جوان ها را باصفا می دانند. بله، واقعاً جوان ها، فی نفسه، باصفا تر از مسن ها هستند، ولی یکی از مهمترین صفات بد دنیا طلبانه، که می تواند در جوان ها رواج داشته باشد، حتی در جوان های به ظاهر خوب که اهل بی بند و باری نیستند، همین راحت طلبی است. می بینی جوان وقتی خودش را لذت پرست نمی داند، بچه خوبی می داند. وقتی خودش را شهوت ران نمی داند، و می بیند که دنبال هرزگی نمی رود، خودش را بچه خیلی خوبی می داند. اما وقتی دقت می کنی، می بینی راحت طلبی در او موج می زند.

وقتی یک دستور سخت از پدر و مادر، یا از هر کسی، موجب شود کمی ناراحت بهش برسد، برمی گردد سریع پرخاش می کند. حبّ الدنیا همین است دیگر. اولین مظهر حبّ الدنیا، در جوان ها و حتی نوجوان ها که باید برایش یک فکری کرد و باید هم در مقام مذمت و هم در مقام موعظه برایش کم گذاشت، همین راحت طلبی است. راحت طلبی است که موجب پرخاش می شود. مانند نوزادی که تا دلش درد می گیرد بلافاصله گریه می کند، این نوزادی است که بزرگتر شده، ولی از نظر رفتار، همان رفتار را دارد.

(۱- راحت طلبی و تربیت) مخالفت نکردن والدین با راحت طلبی فرزندان از ۷ تا ۱۴ سالگی، علت خراب شدن بچه های نمازخوان بعد از ۱۴ سالگی

وقتی ما جلوی این راحت طلبی را نگرفتیم، جلوی شهوت پرستی را هم نمی گیریم. بسیاری از خانواده های مذهبی، گله مند هستند از اینکه: «بچه ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می جنبد، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی پوشد و دارد بد اخلاقی می کند.» بررسی می کنی که می بینی در این خانواده از هفت تا چهارده سال، پدر و مادر فرصت داشته اند که این بچه را از راحت طلبی جدا کنند. اما چون بچه اش را دوست دارد، می گوید بگذار بچه ام «راحت» باشد.

از مدرسه آمده، می گوید بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایش را برایش آماده کنم. راحت طلبی بچه را باهانش مخالفت نکرده. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده. بچه ای که در دوران ادب بین هفت تا چهارده سال ادب نشده، و راحت طلبی بیشتر برایش جا افتاده، الان یک دفعه ای می خواهی بهش بگویی با شهوات مخالفت بکن، قبول نمی کند. بهش می گویی بیا نماز بخوان، قبول نمی کند. چرا؟ آیا چون ایمان ندارد؟ نه به خدا،

ایمان دارد. آیا محبت به اهل بیت (ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد، می بینی که محرم ها کم نمی گذارد برای امام حسین (ع)، اما کاهل نمازی می کند. اما دست درازی می کند به سوی گناه.

قبل از «جشن تکلیف» باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته شود

چه جوری باید این را کنترل کرد؟ برای خود جوان هم سخت شده است که با گناه و با شهوات مبارزه کند. یکی از دلایل اساسی اش این است که از هفت تا چهارده سال، کسی او را ادب نکرده. گفتند: «حالا بچه خوبی است، بگذار طبق میل خودش رفتار بکند، حالا کار خاصی که انجام نمی دهد، جنایت خاصی که انجام نمی دهد.» لذا قبل از اینکه در چهارده سالگی برای بچه ها «جشن تکلیف» گرفته بشود که سنت خوبی است، باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته بشود برای بچه ها؛ پدر و مادر مسئولیت هایی را به بچه بدهند. از آن راحتی قبل از هفت سالگی بچه را با منطق و محبت خارج کنند.

دیگر زندگی به این راحتی نیست. او باید اهل مبارزه با راحتی بشود، بدون تعارف. و آلا بچه خوب، در خانواده خوب، با علائق خوب، با ایمان نسبتاً خوب و معمولی در همین مقداری که هست، این بچه بعد از چهارده سالگی، نمی تواند جلوی شهوات خودش را بگیرد. با راحت طلبی باید مقابله کرد.

فاصله گرفتن از راحت طلبی، یکی از عوامل مهم رشد در جبهه ها

یکی از صحنه هایی که ما در جبهه ها می دیدیم و در فرآیند رشد این جوان ها که یک شبه راه صدساله را طی می کردند، اتفاق می افتاد، همین جدا شدن از راحت طلبی بود. من یادم است قبل از عملیات والفجر یک، بچه ها توی چادری که بودند در آن منطقه پشت عملیات، یک شب به همدیگر گفتند، همین جوری ارتکازی، کسی نبود که بیاید بهشون یاد بدهد، می گفتند: بچه ها! آیا این بد نیست که ما هر چیزی که لازم داریم و می خواهیم به از همدیگر می خواهیم و به همدیگر دستور می دهیم؟ «آن پارچ را به من بده...، آن بشقاب را به من بده» همه مان تنبل بازی در آوردیم. بیایید مردانه عمل کنیم. تصمیم گرفتند و نور این سخت کوشی را حس می کردند. اگر یک روز کمتر می دویدند توی صبح گاه، می گفتند دلم مکز شده، سیاه شده. ما می دیدیم شهدایی را که به مقام عالی شهادت رسیدند، خب الان می گوئیم عاشق خدا بودند، چقدر مؤمن به قیامت بودند، اما این فرآیندی که طی شد تا به اینجا رسیدند، چی بود؟ یکی از مراحل بسیار زیبایش، جدا شدن از تنبلی بود.

راحت طلبی یک بلیه عام البلوا در جامعه ماست / این یک نقص فرهنگی بزرگ است که راحت طلبی در فرهنگ ما مذمت نمی شود

راحت طلبی یک بلیه عام البلواست در جامعه ما. از آن جا که ما یک جامعه دینی داریم، در فرهنگ ما لذت طلبی که نزدیک تر است به عرصه گناه و عبور از خط قرمز، بیشتر مذمت می شود. ولی متأسفانه در فرهنگ عمومی و حتی فرهنگ دینی ما، راحت طلبی آنقدر مذمت نمی شود. این یک نقص فرهنگی بزرگ است.

من الان روایتی را برای شما بگویم، آیا تعجب نمی کنید؟ رسول گرامی اسلام اگر به یک دلیلی از یک جوانی خوشش می آمد، بلافاصله، می فرمود حرفه اش چیست؟ تا می گفتند شغل و حرفه ای ندارد، بلافاصله می فرمودند: از چشمم افتاد. (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعْجَبَهُ قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ جامع الاخبار/ ۱۳۹) مگر می شود؟ بیکار، بی عار؟ تنبل؟ ببینید بنده «خوش گذران» عرض نمی کنم! خیلی خوش گذران نیست، شاید عضو پایگاه بسیج هم باشد، اما تنبلی اش را دارد. تکان نمی خورد. سختی به خودش نمی دهد.

راحت طلبی یکی از شعبات عجیب و غریب حبّ الدنیاست، که جوان و نوجوانی که نه اهل شهوت است، نه اهل معصیت است، نه حبّ مال، نه حبّ جاه، هیچ کدام از این آلودگی‌ها او را نگرفته، تقریباً قطعی بدانید او در معرض آلودگی حبّ راحت هست.

و اصلاً این جزء سید خرید روزانه ما نیست. جزء توجهات روزمره و محاسبه نفس ما نیست که ببینیم ما چقدر راحت طلب هستیم. **کسی که بلافاصله عصبانی می‌شود و در رفتارهای معمولی به اطرافیان پرخاش می‌کند، راحت طلبی در او لبریز شده، و به صورت یک بیماری دارد در او نشان داده می‌شود.**

چقدر جالب است، در روایتی می‌فرماید: وقتی یک معصیتی کردی، خواستی جبران کنی، با یکی از کارهای خوب جبران کن، بعد یک مثال می‌زنند می‌فرمایند که مثلاً یک کسی عصبانی‌ات کرد، هیچی نگو، بگذار جبران آن گناهت بشود. (استغفروا بعد الذنب أسرع من طرفة عین فان لم تفعلوا فبالإنفاق فان لم تفعلوا فبکظم الغیظ فان لم تفعلوا فبالعفو عن الناس...؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۲ / ۱۲۴) یعنی خودداری از بروز ناراحتی، کفاره گناه است. و اصلاً اگر شما دقت کنید، می‌بینید خدا در مسیر معنوی زندگی برای انسان ناراحتی پیش می‌آورد و پروردگار عالم انسان را ناراحت می‌کند. حتی اگر کسی به آدم ظلم نکند، با سوء تفاهم این کار را می‌کند.

۲- راحت طلبی و آموزش و پرورش) فرزندان تان را در مدرسه‌ای ثبت‌نام کنید که بتواند قبل از هرچیز، راحت طلبی را در او مدیریت کند

راحت طلبی، یک خصلت طبیعی است، یک خصلتی است که از دوران نوجوانی باید باهاش مقابله کرد. پدر و مادر و آموزش و پرورش، هفت سال وقت دارند این راحت طلبی را از جان این بچه جدا کنند. بچه‌های تان را بروید توی مدرسه‌ای ثبت‌نام بکنید که مدیران محترم و معلمین محترم، قبل از آموزش هر کلمه‌ای به بچه، بتوانند این راحت طلبی را در او مدیریت کنند. و آلاً اگر در این مدرسه حفظ قرآن هم بود، بچه‌تان را نگذارید در آن مدرسه. شما به یک عنصر راحت طلب قرآن یاد بدهی، بعد او چه موجودی خواهد شد! دین را هم در خدمت راحت طلبی خودش خواهد گرفت.

اگر بچه‌تان را می‌خواهید بگذارید در یک مدرسه اسلامی، و دیدید این مدرسه بلد نیست بچه‌ شما را از راحت طلبی جدا کند، ولی می‌خواهد محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را بهشان یاد بدهد، نگذارید آنجا، چون این پس فردا محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را هم در خدمت توجیه و تئوریزه کردن راحت طلبی خودش قرار خواهد داد. آن وقت می‌شود جزء کسانی که حضرت امام (ره) در موردشان می‌فرمود: «ولایتی‌های راحت طلب!» که جریان هولناکی هستند که کلمات حضرت امام را درباره چنین افرادی برای شما قرائت خواهم کرد.

مهمترین شاخص موفقیت آموزش و پرورش سالم چیست؟

مهمترین شاخص موفقیت آموزش و پرورش سالم، نه اسلامی، سالم! چیست؟ این که وقتی دیپلمش را گرفت از مدرسه آمده بیرون، کلمه دلم می‌خواهد برایش زشت باشد. از خودش خجالت بکشد که بگوید دلم می‌خواهد. و آلاً آموزش و پرورش موفق نبوده. کدام شاخص را شما می‌توانید به عنوان شاخص برتر از این بیان کنید؟ راحت طلبی گاهی از اوقات جنبه امّ الفساد پیدا می‌کند.

در فرهنگ جامعه هم همین‌طور است. آقا پسر می‌رود برای خواستگاری. خب حرفه‌اش چیست؟ در جایی استخدام رسمی شدند. خوب است دیگر، پولش می‌رسد. خانواده دختر خانم دیگر کاری ندارند به اینکه آقا شخصیتش چیست. در حالی که شخصیت این جوان خیلی مهمتر از پولش است، مگر این دختر را داری می‌دهی به پول او؟ داری می‌دهی به شخصیت ایشان. بگو خب استخدام شدی، سخت کوش هم هستی یا نه؟ یا خودت را آویزان کردی به یک حقوق بخور و نمیر؟ اگر ثابت کرد سخت کوش است، تربیت شده برای سخت کوشی، دخترت

را بهش بده. و آلا استخدام رسمی بودن فضیلت نیست. آیا همین که استخدام است و حقوقش می‌رسد خوب است؟ حالا هر شخصیت شل و ول و تنبلی داشته باشد، اشکال ندارد؟!

آیا استخدام دائم بودن به این معنی که از یک جایی یک حقوق مستمر بیاید، این در فرهنگ ما ارزش شده است؟ نه سخت‌کوش بودن؟! این فرهنگ معلوم است اشکال دارد. وقتی فرهنگ این‌جوری شد، آن وقت در این فرهنگ شما می‌خواهی بگویی آقا بلند شو برای نماز؟ بابا! حرف زور می‌زنی. این برای خودش بلند نمی‌شود، برای خدا بلند شود؟ امام هادی(ع) می‌فرماید «مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ کسی که حال ندارد برای دنیای خودش بدود، برای آخرت خودش بیشتر حال ندارد.» (کافی/۹/۵۶۰) راحت‌طلبی را باید به عنوان یک گرایش زشت و قوی علیه‌اش قیام کرد. من اینها را می‌گویم، تا بعضی از روایات و بعضی از کلمات حضرت امام(ره) برایتان آوردم، آنها را بشود اینجا خواند، در جلسه‌ای که این آمادگی را پیدا کرده می‌شود آن عبارات را قرائت کرد.

وقت خیلی کم است، من دیگر آن روایاتی که می‌فرماید: «علم را در سختی به بندگانم می‌دهم. اما بندگان من به دنبال علم هستند با شکم سیر و با آسایش، نمی‌شود. راحتی را در دنیا نگذاشتم، بندگان من در دنیا دنبال راحتی هستند، نمی‌شود.» (وَصَعَتْ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ، وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَ الرَّاحَةِ، فَلَا يَجِدُونَهُ... وَ صَعَتْ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛ عدة الداعی/۱۷۹)

حالا در مورد اینکه ما چگونه می‌توانیم به راحتی برسیم هم یک عبارت برای شما بخوانم، بعد زندگی را تفسیر بکنیم برویم جلو. از امام صادق(ع) پرسیدند: «این طریق الراحة» ما چه کار کنیم به راحتی برسیم؟ فرمود «فی خلاف الهوی» در مخالفت کردن با هوای نفس؛ با «دل می‌خواهد» مخالفت کن. بعد گفت «فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ؟» بنده خدایی که مخالفت با هوای نفس کند، کی به راحتی می‌رسد؟ امام صادق(ع) فرمودند: «عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» روز اولی که وارد بهشت شوی. حل است؟! برو!

۳- راحت‌طلبی و فرهنگ) تبلیغ راحت‌طلبی در هر جایگاهی، زیرساخت اساسی فرهنگ جامعه را نابود می‌کند/ نابود باد هر نوع تبلیغی که به نفع راحت‌طلبی باشد

راحت‌طلبی را باید مدیریت کرد. اگر بنا شد کار فرهنگی بکنیم، کار فرهنگی که بدون تدبیر امکان ندارد. اینکه هزارتا سرفصل خوب بگذاریم جلوی خودمان، و بگوییم همه اینها را به دست بیاوریم، اصلاً امکان ندارد. شما برای جسم‌تان بخواهید برنامه‌ریزی بکنی این‌جوری نیست، چه برسد به این که بخواهی برای روح پیچیده‌ات این کار را بکنی. آیا مسئولین فرهنگی جامعه ما مفاهیم دینی را مهندسی، طبقه‌بندی، رتبه‌بندی و زمان‌بندی کرده‌اند و اولیت‌ها، اولویت‌ها را مشخص کرده‌اند؟ آیا محور کار فرهنگی را مشخص کرده‌اند؟ الان برای ارتقاء فرهنگ در کشورمان، محوری‌ترین کار چیست؟ محوری‌ترین کار که صدتا کار نمی‌شود، یک دانه است. نه اینکه بگوییم «یکی از محوری‌ترین...، یکی از محوری‌ترین...، یکی از محوری‌ترین...» آیا مهمترین هست؟ مهمترین، یک دانه است، صدتا نمی‌شود.

وقتی وارد کار فرهنگی بشوی، می‌بینی دوتا فرهنگ الان در جهان هست، یک دانه‌اش تازه متولد شده و هنوز رشد نکرده؛ فرهنگ اسلامی انقلابی ماست، که نوظهور است؛ این را باید تکمیل کنیم.

فرهنگ دیگری که در جهان هست، فرهنگ منحن غربی است که فعلاً حاکمیت دارد، و مردم جهان کم و بیش آسیب دیده از آن فرهنگ هستند. آن فرهنگ، مبتنی است بر راحت‌طلبی. محورش «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان/۴۳) آیا دیدی کسی که خدای خودش را هوای نفس قرار داد؟ در آن فرهنگ، راحت‌طلبی تبلیغ می‌شود. نابود باد هر نوع تبلیغی که به نفع راحت‌طلبی باشد. به هر دلیل و زبان و توجیهی. در هر مقطعی و در هر جایگاهی، چون زیرساخت اساسی فرهنگ جامعه را نابود می‌کند. ایمان به خدا هم دیگر کاری برای آن جامعه نخواهد کرد.

شما در فاطمیه به سر می‌برید. من دلیل فاطمیه‌ای این بحث خودم را خدمت شما قرائت خواهم کرد. محور، مخالفت با هوای نفس است.

– آقا! اگر بنا باشد با راحتی مخالفت کنیم، سنس را هم که بُردی از هفت سال. خب، انسان رنج می‌برد!

– دنیا برای رنج است عزیز من. پیامبر گرامی اسلام در سخن شریفی فرمودند: چرا از خدا محال تقاضا می‌کنید؟ گفتند آقا! ما که محال از خدا تقاضا نمی‌کنیم، فرمود بله، محال تقاضا می‌کنید. شما راحتی مگر نمی‌خواهید؟ گفتند خب بله، فرمود راحتی محال است در دنیا. (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَصْحَابِهِ لَا تَتَمَنَّوْا الْمُسْتَحِيلَ قَالُوا وَ مَنْ يَتَمَنَّى الْمُسْتَحِيلَ فَقَالَ أَنْتُمْ أَلَسْتُمْ تَمَنَّوْنَ الرَّاحَةَ فِي الدُّنْيَا قَالُوا بَلَى فَقَالَ الرَّاحَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا مُسْتَحِيلَةٌ. اعلام الدین / ۲۷۸)

به جوان‌ها راست بگوییم: جوان در این دنیا به آرزوهایش نمی‌رسد/ این را جا بیاندازیم که «زندگی انسان با رنج عجین شده»

راست بگوییم به جوان‌هایمان. چند نفر از جوان‌هایی که در همین جلسه شریف نشستند، از اولین و تنها نامه اخلاقی که در صدر اسلام خطاب به جوان‌ها نوشته شده خبر دارند؟ نامه سی و یکم نهج البلاغه، نامه‌ای است که امیرالمؤمنین علی (ع) خطاب به جوان‌ها نوشتند؛ این نامه، یک متن کلیدی و راهبردی در تعلیم و تربیت است. هفت خصلت از خودشان می‌فرمایند: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ، الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا» از پدر فانی، زمین خورده در مقابل زمان و قهر طبیعت؛ طبیعت بر من غلبه کرده و من تسلیم زمان شدم. هفت تا خصلت که همه‌اش به قول امروزی‌ها منفی است، بعد چهارده خصلت از جوان می‌شمارند: «الی المولود...»، یعنی به این تازه به دنیا آمده، به این جوان، به این تازه رسیده. «الی المولود الْمُؤْمَلِّ مَا لَا يَدْرِكُ» به جوانی که به آرزوهایش نخواهد رسید.

جوان‌های مذهبی که فدای امیرالمؤمنین می‌شوید، آیا تا حالا کسی به شما گفته و مکرر گفته و مصرانه گفته که جوان تو در این دنیا بنا نیست به آرزوهایت برسی. کلاس می‌گذارند، پول می‌گیرند از مردم، می‌گویند ما بهت می‌گوییم چه جوری به آرزوهایت می‌رسی. دروغ می‌گوید، فقط ناراحتی‌ها را افزایش می‌دهد؛ «الی المولود الْمُؤْمَلِّ مَا لَا يَدْرِكُ».

امام زین العابدین (ع) در کلام شریفی می‌فرماید «لَا تَطْلُبْ مَا لَمْ يُخْلَقْ» چیزی که خلق نشده نخواه! طرف برگشت گفت: «كَيْفَ يُطَلَّبُ مَا لَمْ يُخْلَقْ؟» چه جوری بخواهم چیزی که خلق نشده؟ حضرت فرمود: مگر چیزهایی که می‌خواهی به خاطر راحتی نیست؟ گفت: خب چرا، فرمود «الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا» راحتی در دنیا خلق نشده؛ (خصال صدوق ۶۴/۱) خودت را راحت کن. ما می‌خواهیم جلوگیری کنیم از یک فساد عظیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) ما انسان را در رنج آفریدیم. این از اولین آیاتی است که جوان باید یاد بگیرد. بنده سال‌ها قبل با رفقایمان بررسی کرده بودیم در دوازده سال آموزش و پرورش، یک همچین آیه‌ای آموزش داده نمی‌شود. بعد باید دیده بشود آن اتاق فکری که تصمیم می‌گیرد کدام آیه آموزش داده بشود، آن کجاست؟ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» ما انسان را در رنج آفریدیم. مای خدا، انسان را در رنج آفریدیم.

پیامبر گرامی اسلام، یک عده جوان‌ها را دیدند، که به تعبیر امروزی‌ها دارند مسابقه قوی‌ترین مردان مدینه را اجرا می‌کنند، یعنی سنگ برمی‌داشتند ببینند چه کسی قوی‌تر است. حضرت آمدند بی‌رودربایستی بهشون فرمودند: خب، این مسابقه در جای خودش خوب، ولی قوی‌ترین آدم کسی است که مخالفت بکند با دوست داشتنی‌هایش! (مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا...؛ معانی الاخبار/۳۶۶)

اصل این مطلب را جا بیاندازیم، برای یهودی‌ها و زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها و مسیحی‌ها و ادیان دیگر هم می‌توانیم این را جا بیاندازیم، این حرف دینی نیست، اصلاً نمی‌شود انسان را فریب داد. انسان زندگی‌اش با رنج عجین شده. شما نمی‌توانید رنج را حذف بکنید. مراقب

راحت طلبی خودتان باشید. شیطان گول می زند آدم را. می گوید: «نه! این دفعه دیگر همه چی درست می شود. نه! این دفعه همه چی درست می شود. ...» نه! هیچ وقت درست نمی شود.

- آقا! شما این حرف را می زنی، عارضه اش این نیست که ما دیگر هیچی را درست نکنیم؟

- بله، خیلی از حرف های درست هست که اگر به آدمی که از شعور کافی برخوردار نیست بزنی، کج برداشت می کند. از آیات قرآن هم خوارج کج برداشت کردند، و می خواستند امیرالمؤمنین (ع) را بکشند. می گفتند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ...». از آیه قرآن هم می شود بد برداشت کرد. بله، بعضی ها ممکن است از این حرف بد برداشت بکنند، و بگویند چون رنج را نمی شود حذف کرد، پس ما همین جوری می نشینیم رنج می کشیم. خب این یک برداشت احمقانه از این حرف است. زیبایی کار این است که:

(۱) هم باید رنجت را کم کنی. چون اگر بخواهی رنج را از بین ببری، به خودت و دیگران ظلم خواهی کرد. لذا هم باید رنج خودت را کم بکنی،

(۲) هم باید بدانی که در رنج در زندگی هست.

(۳) و هم باید از رنجت، بهره برداری بکنی.

رنج هست، اما بعضی ها رنج می کشند، ولی آدم نمی شوند، رشد نمی کنند، و نابود می شوند. و بعضی ها رنج می کشند، آدم می شوند، رشد می کنند، قوی می شوند. یکی تصادف می کند می رود بیمارستان، بعد باید برود فیزیوتراپی و ورزش، یکی از روز اول رفته ورزش، والا رنج همه می کشند. رنج را نباید حذف کرد. ولی علیه راحت طلبی، ریشه ای باید قیام کرد.

(۴-راحت طلبی و بندگی) مبارزه با دوست داشتنی ها، و در رأس آن راحت طلبی، محور خودسازی و نظام

دین است/ راه رسیدن به عبودیت، ترک دوست داشتنی ها و راحت است

علیه راحت طلبی قیام کردن، یک موضوع غریب است در جامعه ما، در حالیکه جایگاه بسیار اساسی دارد، کما اینکه محور مهم مبارزه با هوای نفس و مقابله کردن با دوست داشتنی ها، موضوع محوری در خودسازی، در دین، امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «نِظَامُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى؛ نظام دین مخالفت کردن با هوای دین است» (غررالحکم/ ۹۱۵۲)

و اول هوای نفس هم همین راحت طلبی است. آیا توانستی با راحت طلبی مبارزه کنی؟ از هفت سالگی که بچه با ادب تمرین مخالفت با راحت طلبی کرد، بعد چهارده سالگی می گویند با این لذت هم مقابله کن. دیگر عادت دارد به این کار. چون توی خانه تمرین کرده؛ پای فیلم نشسته این را بهش یاد دادند و برایش جا افتاده است.

امام صادق (ع) بنا بر نقل مصباح الشریعه می فرماید «تَفْسِيرُ الْعُبُودِيَّةِ» تفسیر عبودیت چیست؟ «بِذْلِ الْكُلِّ» همه چی را بدهی. «وَوَسَبَبُ ذَلِكَ» چی می شود که تو می توانی عبودیت داشته باشی همه چی را در راه خدا بدهی؟ «وَوَسَبَبُ ذَلِكَ مَنَعُ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَى» نفس خودت را باز بداری از آن چیزی که دلت می خواهد. «وَوَسَبَبُهَا عَلَى مَا تَكْرَهُ» وادارش بکنی به چیزی که دوست ندارد. وادارش کن به چیزی که دوست ندارد. این می شود عاملش. «وَوَسَبَبُ ذَلِكَ» کلیدش چیست؟ «تَرْكُ الرَّاحَةِ» راحت را باید بگذاری کنار. (مصباح الشریعه/ ۷)

الهی فدای آن شهیدایی بشوم که خدا شاهد است یکی یکی قیافه هایشان یادم می آید، زیاد مربی اخلاق نداشتند، اما از آب کره می گرفتند. مکرر خاطرات شان را شاید شنیده یا خوانده باشید. یکبار می رفت جبهه برمی گشت، مامانش تشک می انداخت، می گفت: پسرم بخواب. می گفت من روی تشک می خوابم دلم می گیرد، روی زمین می خوابید. می گفت دلم می گیرد.

از اول شروع کن، وسط راه خودت را معطل نکن. هی می خواهی بروی روی حجاب کار کنی، روی نماز خواندنش کار کنی. این آدم راحت طلبی او را کشته. گوش نمی دهد به این حرف ها. ایمان به خدا هم دارد، اما عادت نکرده، تمرین نکرده، فرهنگ برایش نشده. در روایت دیگر امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ وَ الرَّاحَةُ الدَّائِمَةُ» (غررالحکم/ ۱۶۸) با سختی های شدید درجات رفیع درک می شود.

فرهنگ مبتنی بر مبارزه با هوای نفس، تمدن مبتنی بر هواپرستی غرب را نابود خواهد کرد / چه کسی سران اتحادیه اروپا را پررو کرده؟!

من واقعاً عذرخواهی می کنم، محضر همه علماء، عزیز دلمان، محکم حرف می زنم، عذرخواهی می کنم، جوان ها را می بینم، من هم نوکر این جوان ها هستم و بالاخره مأموریتم این است. در مقام صحبت کردن این حرف ها را باید محکم زد. و آلا می دانم جسارت است و خودم هم ناراحت هستم از این همه جسارت خودم. ولی از بس ما جدی نمی گیریم این حرف ها را، باید در جامعه این حرف ها محکم زده بشود برای ما. که بابا! این یکی از حرف ها نیست، بلکه اصل مسیری است که تو باید طی بکنی. این فرهنگی که مبتنی است بر مبارزه با هوای نفس، تمدن غرب را که مبتنی است بر هواپرستی، نابود خواهد کرد.

اخیراً سران مزخرف اتحادیه اروپا، دور هم نشستند درباره ایران چه نسخه ای نوشتند؟ کلمات قبیحی که ما در جلسات محترمانه اصلاً این کلمات قبیح را یاد نمی کنیم، که حتی بخواهیم علیه اش حرف بزنیم. شدت هواپرستی در جوامع غربی، به همجنس بازی کشیده شده. برای حقوقی کردن یک همچین مزخرفاتی که از نتایج زندگی هواپرستانه است، می خواهند بیایند دفتر بزنند یک همچین چیزهایی را در کشور ما رواج بدهند. چه کسی اینها را پررو کرده؟! چه کسی به آنها چراغ سبز نشان داده؟! خدایا! کسانی که به دشمنان ما چراغ سبز نشان می دهند، چراغ شان را کور کن. مملکتی که مبتنی باشد بر مبارزه با هوای نفس، و این را در فرهنگش علم کند، ناامید می شود دشمن.

تفسیر زندگی انسان، مدیریت رنج برای «کاهش رنج نابجا» و «مفید قراردادن رنج» است / چگونه باید رنج را مدیریت کرد؟

یک نتیجه گیری کنم از این بحث که ما بالاخره با راحتی چه کار کنیم، بعد نتایج اجتماعی بحث را با همدیگر مرور کنیم، و به فاطمیه برسیم.

آقا! راحت طلبی مان را چی کار کنیم؟ عزیز من! رنج و راحتی را در دنیا باید مدیریت کرد. رنج را نمی توانی حذف بکنی، باید مدیریت کنی. راحتی هم قطره چکانی بهت می دهند. «وَمَنْ نَعْمَرَهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ» (یس/ ۶۸) هر کسی را ما پیر می کنیم، بدنش را ضعیف می کنیم، استخوان هایش شکننده می شود. خداوند متعال در این باره ها صریح با ما سخن می گوید.

فرهنگ دینی ما را نگاه کنید، جالب است، یک جایی در محیط مذهبی من این جور آیات قرآنی را کنار همدیگر گذاشتم، یکی از جوان ها - من تعجب می کنم، جوان که باید خیلی شیر باشد، یل باشد، اهل سختی کشیدن باشد - آمده می گوید: «آقا! شما حال ما را گرفتی با این دین و خدایی که معرفی کردی.» می گویم: «یعنی چی حال شما را گرفتیم؟ مگر آیات قرآن نبود؟» من هم اتفاقاً مراعات می کردم، آیه قرآن می خواندم، بعد می گفتم به فلسفه اش دقت بکنید. توی مقدمه بحث بود، انکار می کرد. ناراحت شده بود! ناراحتی اش را ابراز می کرد. می گفت:

«یک کمی از رحمت خدا هم بگو.» آقا! مگر من از غضب خدا دارم صحبت می‌کنم؟ من از رنج طبیعی انسان که مظهر رحمت خداست دارم صحبت می‌کنم. خدا عین رحمتش است که تو را رنجور آفریده. از رحمت خدا صحبت بکن یعنی چه؟ مگر من از غضب خدا صحبت کردم؟ چقدر فاصله‌ها زیاد است.

رنج را مدیریت باید کرد. چه‌گونه می‌شود رنج را مدیریت کرد؟ رنج را مدیریت کن دوتا اتفاق برایش بیفتد: یکی اینکه رنج نابه‌جا نکشی؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه/ ۱۲۴) هر کسی از ذکر من دوری کند، من زندگی‌اش را سخت خواهم کرد. چرا رنج بی‌جا می‌کشی؟ یک دفعه ای می‌روی یک صاحب نفس پیدا می‌کنی می‌گویی این مریضی چرا آمده سراغ من؟ می‌گویند فلان لقمه حرام را خوردی، بهت نمی‌ساخته، این مریضی حالا تا یک هفت هشت سال دیگر هست. ده برابر پول خرج باید بکنی. چرا رنج اضافی بکشی؟

تفسیر زندگی انسان این است: مدیریت کردن رنج. برای کاهش دادن رنج نابه‌جا، این یک کار. مدیریت رنج یک رکن دیگر هم دارد. از رنج‌هایت استفاده کن. رنج می‌بری مقرب بشو؛ مثلاً طرف می‌رود حرام امام رضا(ع) گریه می‌کند، غصه دارد، ته غصه‌هایش را که نگاه می‌کنی حسادت است. بابا! غصه از سر حسادت اصلاً خوب نیست بخوری. این غصه که تو را مقرب نمی‌کند عزیز من. اصلاً چرا این غصه را بخوری؟ یا ته رنجش را که نگاه می‌کنی، می‌بینی غرورش است. آخر چرا؟ یک رنجی بکش که تعالی پیدا کنی.

ورزش و تحصیل، دو نمونه از رنج‌های مفید / «جهاد» نامی برای مدیریت رنج

مدیریت کردن رنج، برای این دوتا امر است، یکی از بین بردن رنج نابه‌جا و یکی مفید قرار دادن رنج. مثلاً چندتا رنج خوب پیشنهاد بدهم؛ یکی از برنامه‌های معقول برای مدیریت رنج، ورزش است. در ورزش خودت به استقبال یک خستگی می‌روی، تا یک راحتی جایش بیاید. بعد این خستگی هم تنومندترت می‌کند. چقدر خوب است، بارک‌الله.

رنج دیگری که من پیشنهاد می‌دهم، رنج تحصیل است. رنج تحصیل را هم تحمل بکن. ببین چقدر مشاعرت باز می‌شود، چقدر تعالی پیدا می‌کنی، چقدر هوس‌هایت کاهش پیدا می‌کند. یکی از راه‌های مقابله با شهوت، حکمت است. عقلانیت خودت را افزایش بدهی، شهوات کاهش پیدا می‌کند. آدم فهمیده که شهوت‌ران نمی‌شود.

یک پیشنهاد دیگر، یک کمی دینی‌تر؛ «جهاد» نامی است برای مدیریت کردن رنج؛ می‌روی به استقبال رنج، جهادگرانه، آن‌وقت بسیاری از رنج‌های نابه‌جا را کاهش می‌دهی. بعد بالاخره رنج که هست عزیز من، حالا بنا بوده در تصادف دستت بشکند، در راه دفاع از خدا دستت شکسته. بارک‌الله! بارک‌الله! رنجت را مفید قرار بده. هر کسی باید یک وقتی بمیرد دیگر. یا در تصادف یا بیماری یا در راه خدا به شهادت می‌رسد.

در مجلس ختم این شهیدی که در اثر نهی از منکر، با ارادل و اوپاش برخورد کرده بود، شرکت می‌کردم، واقعاً نمی‌توانستم ابتهاج خودم را پنهان کنم، اصلاً نمی‌توانستم به خانواده ایشان تسلیت بگویم. در شرایطی که سالانه چندصد و چندهزار جوان، به دلایل واهی از دنیا می‌روند، رنج جان دادن این شهید برای چی شد؟ رنج بیماری‌اش، دو سال، خانه‌شان را فروختند خرج بچه‌شان کردند. برای چی خانه‌شان را فروختند؟ برای چی بچه‌شان بیمارستان بود؟ به‌خاطر خدا. به به چقدر زیباست. رنج خوب بکش.

آقایسر یکی از خادمین حضرت امام در نجف، که اهل افغانستان شریف هم هستند، به بنده می‌فرمود پدرم می‌فرمودند که بانوی مکرمه حضرت امام مشخصات فرمودند برو یک خرما ی خیلی سفت و خشک، یک خرمایی آدرس دادند، از آنها بخر بیاور. من رفتم آوردم، اما مقبول نیفتاد. فرمودند: نه، اینها را نمی‌گویم، سفت تر باشد. دیگر رفتم یک خرما فروشی، چیزهایی که می‌خواست تقریباً بریزد دور گرفتم آوردم. بعداً

پرسیدم که مادر! اینها را برای چی می خواستید؟ فرمود: امام شبها می نشینند مطالعه می کنند، من می خواهم این خرماي خشک را بگذار زیر زبانش، هم فشارش پایین نیاید، هم یک تغذیه ای شده باشد؛ بعد رنج امام را در مطالعه شبانه بیان می کردند. من اصلاً ماندم همین جوری.

همین جوری مگر کسی به جایی می رسد؟ امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید وسط روز می رفت دنبال کار کردن برای معاش. می فرمود من می خواهم سختی کار کردن برای تأمین معاشم را خدا ببیند. (كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ يَخْرُجُ فِي الْهَاجِرَةِ فِي الْحَاجَةِ قَدْ كُفِيَهَا يُرِيدُ أَنْ يَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يُتَعَبُ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. من لايحضره الفقيه ۱۶۳/۳)

مدیریت عاقلانه رنج، خیلی متفاوت است با فرار ابلهانه و احمقانه از رنج

جامعه راحت طلب که به جایی نخواهد رسید. تفسیر زندگی یعنی مدیریت رنج، یعنی به استقبال رنج برو و مدیریت عاقلانه رنج، خیلی متفاوت است با فرار ابلهانه و احمقانه از رنج. فرهنگ غربی ما را به فرار احمقانه از رنج دعوت می کند. فرهنگ اسلامی ما را به استقبال عاقلانه از رنج دعوت می کند. از دل چنین فکر و فرهنگی، جهاد برمی خیزد. امیرالمؤمنین علی(ع) چی می فرمودند؟ به استقبال بروید سختی ها را، سختی ها کاهش پیدا خواهد کرد و آلا سختی های بدتری نصیب تان خواهد شد، رنج اضافی هم خواهید کشید، مگر می تواند کسی رنج نکشد؟ (إِنَّ لِلنَّكَبَاتِ غَايَاتٍ لَا بُدَّ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا فَإِذَا أَحْكَمَ عَلَيَّ أَخَذَكُمْ لَهَا فَلْيُطَاطِئْ لَهَا وَ يَصْبِرْ حَتَّى تَجُوزَ فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحَيْلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا. التمهيص/ ۶۴ و تحف العقول/ ۲۰۱)

برخورد شدید خداوند با راحت طلبان

بعضی از آیات جهاد را برایتان آورده بودم، وقت نیست، می خواهیم برسیم به کلمات حضرت امام و مادر مکرمة شان فاطمه زهرا(س)، ببینیم اصلاً مناسبت این بحث با فاطمیه چقدر است. ولی یکی دوتا آیه را بگذارید فقط برایتان اشاره کنم در سوره توبه. اینقدر خدا از تنبل های راحت طلب جهاد نرو، بدش می آید، که می فرماید پیغمبر من! در آیه هشتاد و سه، اگر اینها که ازت اجازه گرفتند جهاد نیابند بنشینند، با پیرزن ها نشستند نیامدند جهاد، اگر دفعه بعد برگشتی آمدند ازتون اجازه بگیرند برای جهاد، بگو شما هرگز با من جهاد نخواهید آمد، بروید بنشینید با همان کسانی که نشسته بودید. اصلاً دیگر لیاقت بهشون نمی دهد برای برخاستن. (فَإِنَّ رَجْعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ. التوبة/ ۸۳)

در یک سوره دیگری، از سوره های نازنین قرآن، می فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ» چرا سوره ای نازل نمی شود؟ مؤمنین می گویند چرا سوره ای نازل نمی شود برای جهاد؟ یک سوره نازل بشود که در آن خدا فرمان جهاد بدهد، چشم. «فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ» وقتی که یک سوره ای نازل بشود که دستور جنگ تویش داده، «رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» می بینی کسانی که قلبشان مریض است، عین مرده ها بهت نگاه می کنند. انگار دارد می میرد از ترس. ترسیم خدا را ببینید. بعد می فرماید که «فَأَوْلَى لَهُمْ» (محمد/ ۲۰) همان مرگ هم برایشان بهتر است. چرا آیه قرآن برای جهاد نازل می شود مثل مرده ها نگاه می کنی؟ می ترسی چرا؟ خواهش می کنم آیات قرآن را در این باره مطالعه بفرمایید.

(۵- راحت طلبی و سیاست) امام(ره): از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است. خط اشخاص

راحت طلب و .../خوشبختی به خوب رنج کشیدن است، نه به رنج نکشیدن که دروغ است

درباره راحت طلبی، حضرت امام(ره) چه فرمودند؟ خلاصه اش کنم برای شما، جملات در صحیفه حضرت امام هست، چند فرازش را بیشتر نمی خوانم. حضرت امام(ره) می فرماید: «از صدر اسلام تا کنون، دو طریقه، دو خط بوده است.» خط چپ و راست ما نداریم. نمی دانم چی و

چی نداریم. اسم‌هایی که بعضی وقت‌ها من در آوری درست می‌کنند. یک گروه اندکی برای اینکه خودشان را بزرگ نشان بدهند، اسم گروه انبوه دیگری را یک اسم می‌گذارند سرشان؛ از این بازی‌هایی که اهل سیاست و ژورنالیسم سیاسی بیشتر درمی‌آورند.» امام می‌فرماید، صحیفه امام جلد ۱۴، صفحه ۵۱۹، چون همه کلام را نمی‌توانم بخوانم، آدرسش را خواندم برایتان، الان دیگر در هر کامپیوتر و اینترنتی راحت می‌توانید آخر شب مطالعه کنید، بعد بگیرید بخوابید.

می‌فرمایند: «از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است. یک خط، خط اشخاص راحت طلب که تمام همّت‌شان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم آنهایی که مسلمان بودند می‌کردند. [یعنی راحت طلب، مسلمان و غیرمسلمان ندارد.] اما مقدم بر هر چیزی در نظر آنها، راحت طلبی بود. در صدر اسلام از این اشخاص بودند.» بعد، می‌آورد توضیح می‌دهد حضرت امام، تا می‌رسد به نهضت ما. فرمود در نهضت ما هم این جور آدم‌ها بودند. بعد مثال آدمش را می‌زند، حرف‌های آن آدم را بدون اینکه نامش را ببرد، ذکر می‌کنند.

بعد می‌فرماید که «یک دسته این طور هستند، [یعنی راحت طلب هستند.] حضرت امیر(ع) از اینها تعبیر می‌کند که اینها هم‌شان علف‌شان است. مثل حیواناتی که هم‌شان این است که شکمشان سیر بشود، شهوت‌شان را بر همه چیز مقدم می‌دارند. نماز هم می‌خوانند، روزه هم می‌گیرند. عبادت شرعی را هم به جا می‌آورند. لکن این طور است وضع تفکر که: انسان نباید خودش را در معرض یک خطری، در معرض یک چیزی قرار بدهد، و این کاری که این ملت شریف اسلام کردند، این کار یک کار جنون‌آمیز بوده است!» (صحیفه امام/۱۴/۵۱۹)

در عبارت دیگری از عبارات‌های حضرت امام، در جلد ۱۲، صفحه ۴۸۷، می‌فرماید: «منتظر این نباشید که راهتان راه خدا و راه حق باشد و همیشه در رفاه باشید. آنهایی در رفاه‌اند که راهشان راه خدا نیست. همیشه امثال مستکبران که راهشان راه خدا نبوده و غافل از همه مراتب انسانیت بوده‌اند در رفاه بودند و در عیش و عشرت. و اشخاصی که برای خدا و بندگان خدا خدمت می‌کردند، در زحمت و رنج بوده‌اند.» طمع‌اش را بکنیم. خوشبختی به خوب رنج کشیدن است، نه به رنج نکشیدن که دروغ است، اصلاً نیست.

ادامه دارد فرمایشات حضرت امام، می‌فرماید: «خب تکلیف چیست؟ [یعنی در مقابل این سختی‌هایی که همراه می‌کنند. مثلاً هجوم می‌کنند، می‌کشند افراد را، ایجاد مزاحمت می‌کنند، بمب می‌گذارند و ...] تکلیف این است که حالا ما رها کنیم آن طریقه اسلام را؟ و آن طریقه انبیاء را؟ و راحت طلبی را انتخاب کنیم و چند روز ادامه زندگی حیوانی بدهیم؟ با حیوانات فرق نداشته باشیم؟ حیوانات هم «**إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغْ بِحَمْدِهِ**» حیوانات هم تسبیح خدا می‌کنند. [یعنی نبینید احياناً اینها بعضی‌هایشان راحت طلب هستند و نماز می‌خوانند. مگر حیوان چیز بدی است؟ حیوان هم تسبیح می‌کند.] آنها هم ذکر و تسبیح دارند. لکن هم‌شان علف‌شان است. [امام به راحت طلب‌ها می‌فرماید مانند حیوان هم‌شان علف‌شان است اگرچه نماز بخوانند.] انسان هم باید این طوری باشد که هم‌ش علفش باشد و هرچه ذلت و خواری است تن به آن بدهد. برای اینکه این چند روز زندگی مرفه بکند؟!»

امام در آخر عمرشان نگران جریان راحت‌طلبان و اسلام آمریکایی بودند / حضرت امام او آخر احساس می‌کردند جریانی در همین بچه‌های انقلابی، دنبال اسلام آمریکایی هستند

چون جوان‌های باهوش در جلسه ما الحمدلله زیاد هستند، بگذارید یک آماری بدهم. بعدها اسلام راحت‌طلبی را حضرت امام(ره) معرفی می‌کنند به اسلام آمریکایی. بگذارید یک آماری از صحیفه حضرت امام درباره کلمه اسلام آمریکایی و اسلام ناب برای شما بگویم. از کلمه اسلام آمریکایی حضرت امام ۱۸ بار استفاده کردند. ۱۷ بارش در دو سال آخر عمر شریف‌شان بوده. ۱۵ بار از این هفده بار، بعد از قطعنامه بوده.

حضرت امام اواخر احساس می کردند جریانی توی خود همین بچه های انقلابی، دنبال اسلام آمریکایی هستند. و بعد اینها را معرفی کردند، شما جلد آخر صحیفه امام را واجب است بروی بخوانی.

از «اسلام ناب» ۳۴ مرتبه استفاده کردند که هر سی و چهار مرتبه اش در دو سال آخر عمر شریف شان بوده. از این ۳۴ مرتبه، ۳۲ مرتبه اش بعد از پذیرش قطعنامه بوده. قطعنامه پذیرفته شد، ولی نگرانی حضرت امام باقی بود، که مبادا مملکت به سمت راحت طلبی مملکت برود. بروید پیدا کنید. دوتا جریان هست، در جامعه ما هم دوتا جریان هست. جریان راحت طلب، جریان جهادگر. البته در هر جریانی ممکن است بالاخره اشتباههایی رخ بدهد، یک کسی اشتباهی رفته باشد آن طرف، یک کسی اشتباهی آمده باشد این طرف. این مسائل را باید کنترل کرد. یک حاشیه هم بزنم قبل از سخنان حضرت زهرا(س). آن حاشیه این است که الان به ما می گویند راحت طلب باش، بعد می روند یک عده ای را به عنوان جهادگر درست می کنند، که بیایند سر ببرند. یک مطالعه ای هم آن طرف بکنید. چه جوری آن جوان ها را آوردند به عشق جهادگری، به عنوان قاتل درست کردند؟

«راحت طلبی» گلیه حضرت زهرا(س) از مردم مدینه

اما ربط این بحث ها به فاطمه چی بود؟ حضرت زهرا(س) گلّه شان از مردم مدینه همین بود. «آلَا وَ قَدْ أَرَىٰ وَاللَّهِ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَيَّ الْخَفْضَ وَ رَكَنْتُمْ إِلَيَّ الدَّعَةَ» (کشف الغمّه/ ۱/ ۴۹۱) به خدا قسم، من دارم می بینم که شما مردم مدینه میل به راحت طلبی و آسایش پیدا کرده اید. حضرت زهرا(س) گلّه شان از مردم چی بود؟ اینکه اینها به سمت راحت طلبی رفتند. این سخنان را حضرت زهرا(س) کجا بیان فرمودند؟ در سخنرانی مسجدی که می دانید و خطبه قرآبی که قرائت فرمودند.

یک جمله روضه بخوانم. دوستان حضرت زهرا(س)، بلکه مریدان حضرت! فرزندان حضرت! وقتی وجود نازنین فاطمه زهرا(س) بین در و دیوار مورد اصابت قرار گرفت گله نکرد، از غلاف شمشیر گله نکرد، از سیلی گله نکرد؛ اما وقتی با راحت طلب ها حرف زد، بهشون گفت: جواب بدهید، جواب فاطمه را ندادند، برگشت آمد خانه صدا زد: «علی! من را خوارم کردند. من از اینها استمداد طلبیدم، جواب من را ندادند.» (حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَةً نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَ صَلَّهَا وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةَ دُونِي طَرْفَهَا فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ خَرَجْتُ كَاطِمَةً وَ عُدْتُ رَاغِمَةً ... لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هُنَيْتِي وَ دُونَ دَلْتِي؛ احتجاج طبرسی/ ۱۰۷) در میان آن جمع فقط یک نفر - همسر پیامبر گرامی اسلام ام سلمه - سر از پنجره بیرون آورد، صدا زد «نامردها! این دختر پیغمبر شماست؛ دارد فریاد می زند.»

صدا زد علی جان! ای کاش جان داده بودم، ندیده بودم این وضعیت را. اینقدر مردم به آسوده طلبی دچار شدند و به عافیت طلبی دچار شدند. درد مردم مدینه همین طور بود. شب آخر مجلس است، یک سر کربلا هم بزینم. مردم کوفه هم یکی از اصلی ترین دلایلش این بود، گفتند می رویم حسین را می کشیم، راحت می شویم دیگر جنگی نخواهیم داشت. راحت طلبی، سر حسین بالای نیزه کرد! یا ابا الفضل العباس، شما کجا بودی مدینه، اگر امثال تو در مدینه بودند، در خانه علی آتش نمی گرفت. **الا لعنت الله على القوم الظالمين...**

